

گزارش

مجمع ایرانی دفاع از حقیقت

Iranian Council For
Defending The Truth



خرداد ۱۴۰۲



سیاسی

سورة الاحقاف



بررسی روایت‌های متضاد اندیشه‌ی نگاه به شرق در ایران

محمد فیاض فاروجی

پژوهشگر حوزه بین‌الملل



خلاصه‌ی سیاستی

رقابت در فضای آنارشیستی بین‌المللی امری محتوم است. لذا قدرتهای متوسط برای تأمین منافع ملی خود سعی دارند تا جای ممکن به سمت استقلال از قدرتهای خارجی حرکت کنند تا با این کار بتوانند زمینه‌ی رقابت با قدرتهای بزرگ‌تر را برای خود محیا کنند. یکی از ابزارهای استقلال‌طلبی این دولت‌ها، «راهبرد توازن» در سیاست خارجی است. بدین منظور، دولت‌ها با متکثر کردن روابط خارجی خود، از نفوذ یک دولت خارجی می‌کاهند. از نمونه‌های بارز آن می‌توان به متوازن کردن شوروی با آمریکا در دولت چین در زمان نیکسون اشاره کرد؛ اما در چند دهه‌ی اخیر دولی مثل آلمان غربی، ایران، عربستان یا ترکیه که خود را در بلوک غرب تعریف می‌کردند برای افزایش منافع ملی و دوری از سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه‌ی غربی به سمت قدرتهای شرقی چون چین، روسیه و هند حرکت کرده‌اند. ایران نیز بعد از خیانت اروپایی‌ها در مذاکرات هسته‌ای، عدم پایبندی آمریکا به ایران و قسم خوردن دولت‌های غربی برای اجرای سیاست مرد‌مریض علیه ایران، از «نگاه غربی» متداول خود صرف‌نظر کرده و به سمت قدرتهای نوظهور و غیراستعمارگر شرقی چون چین حرکت کرده است که نمونه‌ی بارز آن را می‌توان در قرارداد ۲۵ ساله بین ایران و چین جست. این راهبرد جدید توجه موافقین و مخالفین را به خود جلب کرده است و زمینه‌ساز نبرد روایت‌های متناقض در مورد «نگاه به چین» بوده است. در این یادداشت سعی داریم این روایت‌ها را بررسی و ارزیابی کنیم. در ابتدا با ارائه‌ی مقدمه‌ای از به‌کارگیری سیاست «توازن سازی» و «نگاه به شرق» در ایران و تعریف راهبرد «نگاه به شرق» به زمینه‌ی زایش این روایت در ایران در سه سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی می‌پردازیم و سپس روایت‌ها را بررسی کرده و در آخر نیز با حل مسئله‌ی تزاخم بین «نه شرقی و نه غربی» و «نگاه به شرق» به سمت پیشنهادات حرکت می‌کنیم. در این گزارش از داده‌های سایت‌های اینترنتی جریان اصلی و غیرجریان اصلی استفاده شده است. در این پژوهش همچنین از پارادایم اجتماعی استفاده کرده ایم لذا سعی داریم بعد از بررسی رویکردهای نگاه به شرق، به بستر زایش و فهم این نگاه نیز توجهی بکنیم. طبق یافته‌های این گزارش، روایت‌های موافق و مخالف نگاه به شرق به ۴ دسته‌ی ۱. روایت موافق نگاه به شرق در ایرانی ایدولوژیک‌محور ۲. روایت موافق نگاه به شرق در ایرانی عملگرا ۳. روایت نگاه به شرق، نگاه به شرق غربی‌ها ۴. روایت مخالف نگاه به شرق در ایرانی، تقسیم می‌شوند. روایت‌های موافق نگاه به شرق در ایران را می‌توان به دو دسته‌ی ایدولوژیک‌محور چون روایت دولت احمدی نژاد و عملگرا چون روایت دولت رئیسی تقسیم بندی کرد. دیگر روایت نگاه به شرق، نگاه به شرق غربی‌ها است. در این روایت، آمریکا و کشورهای اروپایی چین را به عنوان ابرقدرتی در آینده می‌پذیرند و به دنبال مهار و تعامل با آن هستند. روایت مخالف نگاه به شرق در ایران بر خلاف دو روایت قبلی، دال مرکزی منسجمی ندارد و صرفاً به دنبال نقد کامل ارتباط عمیق با قدرتهای نوظهور می‌باشد. مهم‌ترین نقد این روایت‌ها، بررسی ضدیت اصل نه شرقی و نه غربی با راهبرد نگاه به شرق در آموزه‌های روابط خارجی جمهوری اسلامی است که بر مبنای تحقیقات حاصل شده، این اصل به دلایلی چون ۱. تغییر و اتمام پارادایم جنگ سرد ۲. عدم امکان وابستگی کامل و ارتباط با چین به دلیل ارتباطات پیچیده‌ی چینی‌ها با رقبای ایران و تحریم‌های ایران ۳. دید استقلال‌خواهی در مسئولین ایرانی ۴. عدم نفی اصل ارتباط در قاعده‌ی «نفی سبیل»، مورد مناقشه قرار نمی‌گیرد. در انتها نیز با ذکر پیشنهاداتی چون ۱. تقویت دیپلماسی عمومی دولتی دوطرفه ۲. تقویت چهره‌ی چین در ایران برای تعامل بیشتر با چین ۳. برگزاری اردوهای علمی-تفریحی دوطرفه برای تعمیق رابطه‌ی دو کشور، سعی در حل مسئله‌ی نگاه به شرق در ادبیات عمومی مردمی، مسئولین ایرانی و جامعه‌ی علمی ایران را داریم.

مقدمه

با روکار آمدن احمدی‌نژاد سیاست خارجی جمهوری اسلامی رنگ و بوی اصول‌گرایی به خود گرفت و گفتمان آرمان‌خواهی و دوری از دول غربی از حاشیه به متن آورده شد. با توجه به آرمان‌های ضد غربی جمهوری اسلامی همچنین سیاست‌های ضد ایرانی آمریکا چون تحریم یا لشکرکشی به غرب آسیا، سیاست خارجی این دولت با اتخاذ راهبرد «تجدیدنظر طلبانه» به دنبال برقراری ارتباط با کشورهای غیر غربی بود. لذا در این دوران یک از رویکردهای جهت دهنده به سیاست خارجی جمهوری اسلامی، رویکرد «نگاه به شرق» بود (منصوری مقدم، اسمعیلی، ۱۳۹۰). البته باینکه از زمان دولت احمدی‌نژاد اصطلاح «نگاه به شرق» به یکی از خرده گفتمان‌های سیاست خارجی تبدیل شده است ولی گزاره‌هایی از اتخاذ سیاست «نگاه به شرق» قبل از دولت نهم نیز وجود داشته است. بعد از آغاز جنگ ایران و عراق و تحریم‌های بین‌المللی، ایران برای رفع نیازهای عمدتاً تسلیحاتی خود به سمت چین، کره‌ی شمالی و روسیه متمایل شد. در دولت آقای هاشمی رفسنجانی، ایران تحت رویکرد «اتحاد استراتژیک» به دنبال متحدانی برای مهار آمریکا و همچنین رفع نیازهای اقتصادی و نظامی خود بود. دولت خاتمی نیز با اتخاذ سیاست «گفت‌وگوی تمدن‌ها» به سمت تنش‌زدایی و ارتباط با کشورهای جهان حرکت کرد و ارتباط ایران و چین در این زمان عمیق‌تر شد و برخی جنبه‌های سیاست «خارجی نگاه به شرق» که در دولت آقای رفسنجانی پی‌ریزی شده بود، در دولت خاتمی نیز ادامه یافت. تنها در دور اول ریاست جمهوری خاتمی هشت سند همکاری برای توسعه روابط دوجانبه، به‌ویژه توسعه همکاری‌ها در مجامع بین‌المللی با آن کشور به امضا رسید، به‌گونه‌ای که مناسبات اقتصادی ایران با چین در سال ۱۳۸۱ نسبت به سال ۱۳۷۶، به ۳/۷ میلیارد دلار رسید (دیو سالار، مجید، ۱۳۸۷). در زمان فعلی و بعد از عدم موفقیت برجام و نگاه به غرب و همچنین رویکار آمدن دولت اصولگرایی، سیاست‌های نگاه به شرق رونقی دوباره گرفته‌اند که نمونه‌ی آن سفر رئیسی به پکن و توافق ایران و عربستان با محوریت چین بود. لذا روایت‌های مختلف موافق و مخالف نگاه به شرق جانی دوباره گرفته‌اند. سوال اصلی گزارش پژوهشی این است که چه روایت‌هایی موافق و مخالف نگاه به شرق در ادبیات عمومی وجود دارد؟ فرضیه‌ی اولیه این است که تنها دو روایت ایدئولوژیک طرفدار نگاه به شرق و علم‌گرای طرفدار نگاه به شرق وجود دارد. در این پژوهش همچنین از پارادایم اجتماعی استفاده کرده ایم لذا سعی داریم بعد از بررسی رویکردهای نگاه به شرق، به بستر زایش و فهم این نگاه نیز توجهی بکنیم.

نگاه به شرق چیست؟ بررسی رویکردهای نگاه به شرق در ایران و جهان

«نگاه به شرق» رویکردی است تحت رویکرد «توازن در سیاست خارجی» که یک کشور برای تأمین منافع ملی خود و کاهش وابستگی به کشورهای مرکز، به‌صورت هم‌زمان و متوازن با همه کشورهای و مناطق مختلف جهان در ارتباط برقرار می‌کند (مجیدی، محمدرضا، ۱۴۰۰). این رویکرد همچنین دلالت بر توازن وابستگی به غرب را نیز شامل می‌شود. تاریخچه‌ی این نگاه به دوران رهبری ویلی برانت در اوایل دهه ۱۹۷۰ در آلمان غربی برمی‌گردد که وی برای متوازن کردن روابط انحصاری با غربی، مسیر عادی‌سازی با بلوک شرق را در پیش گرفت. رهبران این کشور بر این باور بودند همه‌جانبه بودن روابط خارجی به استقلال و پیشرفت آن‌ها کمک می‌کند (مجلسی، ۱۳۹۷). البته در آلمان تاریخچه‌ی پیگیری سیاست نگاه به شرق به از زمان کمزاد آدنائر، اولین صدراعظم جمهوری فدرال آلمان برمی‌گردد. در واقع این سیاستی برای تغییر وضعیت آلمان دوتکه به سمت اتحاد بود که البته این سیاست نهایتاً به اتحاد دو آلمان انجامید (دیو سالار، ۱۳۸۷).

در نگاه رهبران جمهوری اسلامی نگاه به شرق نیز با مؤلفه‌های غیر غربی و با محوریت منافع ملی بیان شده است. آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب در این رابطه می‌گویند: «در سیاست خارجی، ترجیح شرق بر غرب، ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملت‌ها و کشورهای که با ما وجه مشترکی دارند بر دیگران، یکی از اولویت‌های امروز ما است» (بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۶). در نمونه‌ی دیگر علی‌اکبر ولایتی در تشریح راهبرد نگاه به شرق تصریح می‌کنند: «هر جا که منافع، خواسته و استراتژی ما بهتر و بیشتر تأمین شود، طبیعی است که به آنجا اولویت می‌دهیم» (ولایتی، ۱۴۰۱). اما به نظر می‌رسد با بررسی روایات موجود در ادبیات روابط بین‌الملل ایران، نگاه به شرق شامل دو رویکرد ایدئولوژیک-جغرافیایی و عمل‌گرایانه است.

رویکرد ایدئولوژیک

در رویکرد ایدئولوژیک-جغرافیایی، منظور از شرق کشورهای غیر غربی چون آسیای شرقی، آمریکای لاتین، جهان اسلام و روسیه است. این رویکرد در پارادایم رقابت‌های جنگ سردی ایجاد شده است (آدمی، ۱۳۸۹) و اصل استعمارستیزی غربی را محور منافع ملی کشورها قرار داده است. لذا به حداقلی کردن رابطه با غرب و ارتباط با کشورهای حاشیه و نه مرکز و همچنین کشورهایی که در گذشته در بلوک شرق بودند، توجه می‌کند. در این رویکرد نوع ارتباط نظامی-سیاسی و اقتصادی با کشورهای شرقی مدنظر است اما به نظر می‌رسد بعد سیاسی-نظامی این رویکرد پررنگ‌تر از رویکرد بعدی یعنی عمل‌گرایانه باشد. امروزه این دیدگاه، طرفداران کمی در جهان دارد. در ایران نیز به نظر می‌رسد این دیدگاه در دولت احمدی‌نژاد پیگیری می‌شده است.

رویکرد عمل‌گرایانه

رویکرد بعدی، رویکرد عمل‌گرایانه است که به دو قسم تقسیم می‌شود. رویکرد عمل‌گرایانه اتخاذ شده توسط کشورهای غربی و اتخاذ شده توسط کشورهای غیر غربی. در رویکرد عمل‌گرایانه کشورهای غیر غربی، به نظر می‌رسد منظور از شرق، کشورهای غیر غربی با محدود کردن غرب به آمریکا و اروپای غربی است. این رویکرد در پارادایم نتیجه‌گرایی، عمل‌گرایی و وابستگی متقابل اقتصادی مطرح شده است. بر مبنای این رویکرد و اصل نه شرقی و نه غربی، کشورها برای تعدیل سیاست خارجی خود و رقابتی کردن بازارهای داخلی خود، به سمت قدرت‌های نوظهور متمایل می‌شوند؛ اما ارتباط خود را با کشورهای غربی به حداقل نمی‌رسانند (آدمی، ۱۳۸۹). این نگاه همچنین به معنی سلطه‌ی شرق نیست چراکه از نظر این رویکرد، پارادایم جنگ سرد و شریک استراتژیک تمام شده است (قربانی، ۱۳۹۷). نوع ارتباط در این رویکرد جدید بیشتر اقتصادی است. به نظر می‌رسد در جهان امروزی، این دیدگاه طرفداران بیشتری داشته باشد. به نظر می‌رسد این دیدگاه در دولت آقای رئیسی دنبال می‌شود. در بررسی روایات سیاست خارجی مأخوذه توسط مسئولین دولت ۱۳ ام، سیاست «همسایگی» و یا «تکمیل اقتصادی» در کنار این دیدگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد (موسوی، ۱۴۰۰). سؤالی که شاید در اینجا مطرح شود دلیل اتخاذ سیاست عمل‌گرایانه در دوران آقای رئیسی با سیاست ایدئولوژیک آقای احمدی‌نژاد است. به نظر می‌رسد این تغییر رویکرد به دو دلیل ۱. تجربه‌ی دردناک تحریم‌های اقتصادی در دوران آقای روحانی و توجه بیشتر به گفتمان‌های دیپلماسی اقتصادی و کم‌رنگ شدن بعد ایدئولوژی و ۲. تجربه‌ی برجام و عادی‌سازی گفتمان مذاکرات با غربی در دولت‌های اصول‌گرایی است. این در حالی است که در دوران آقای احمدی‌نژاد، دولت نهم به دلیل گفتمان تجدیدنظرطلبانه غیراقتصادی زده به سمت دولت‌های غیر غربی حرکت کرده است.

رویکرد عمل‌گرایانه غربی

با بررسی روایت‌های موجود در ایران، به نظر می‌رسد در رویکرد عمل‌گرایانه‌ی کشورهای غربی با محوریت آمریکا، مسئله‌ی مهار در عین ارتباط با چین مورد بررسی ایرانی‌ها قرار گرفته است. آمریکایی‌ها بیشتر به سمت مهار قدرت‌های نوظهور غیر غربی از جمله چین حرکت کرده‌اند. باراک اوباما رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده، با درک صحیحی که از تحولات پدیدار شده، راهبرد «گرایش به شرق» را در رأس راهبردهای اعلانی و اعمالی خود در عرصه‌ی دیپلماسی سیاسی قرارداد. البته توجه و تمرکز کاخ سفید نسبت به محیط امنیتی و اقتصادی شرق آسیا پس از اوباما، توسط دونالد ترامپ نیز ردگیری شد. جو بایدن نیز همچون رؤسای پیشین کاخ سفید گرایش به شرق را با روش‌ها و رویکردهای خاص خود مثل تأکید بر چندجانبه‌گرایی، استفاده‌ی ابزاری از سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و پرهیز از یک‌جانبه‌گرایی در دستور کار خود قرار داده است و از این رهگذر در تلاش است تا روند صعود جمهوری خلق چین را در عرصه‌ی سیاست و روابط بین‌الملل مدیریت و متعاقباً تحدید نماید (عله‌پور، ۱۳۹۹). اما نگاه عمل‌گرایانه به شرق به دوران نیکسون برمی‌گردد. این سیاست که ابتدا برای حل و فصل جنگ ویتنام مطرح شد، سرانجام تنش‌زدایی و بهبود مناسبات آمریکا با چین و

شوروی را به دنبال داشت. همچنین با این سیاست دولت نیکسون موفق گردید تا حدودی به زدودن تصویر ناخوشایند حضور نظامی آمریکا در آسیا بپردازد. سیاست مزبور با استقبال چین که انقلاب فرهنگی در آن کشور به تازگی به پایان رسیده بود، روبرو شد و زمینه برای آغاز مذاکرات میان آمریکا و چین با دعوت چین از گروه پینگ پنگ آمریکا فراهم شد که در نهایت با سفر نیکسون به چین در سال ۱۹۷۲، سیاست نگاه به شرق آمریکا به ثمر نشست (دیو سالار، ۱۳۸۷).

بستر زایش نگاه به شرق در ادبیات سیاست خارجی ایران

به نظر می‌رسد تأکید مقامات ایرانی بر نگاه به شرق در دو دهه‌ی اخیر به دلیل تغییرات در ۳ سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی است. در سطح بین‌الملل شاهد ۱. چندقطبی شدن نظام بین‌الملل ۲. رشد اهمیت جایگاه دیپلماسی اقتصاد در سیاست خارجی ۳. افول آمریکا ۴. ظهور قدرت‌های منطقه‌ای در شرق و جنوب آسیا (چین و هند) و شرق اروپا (روسیه) ۴. ورود اصطلاح ظهور چین به جریان اصلی ادبیات روابط بین‌الملل غری و سرازیر آن به جامعه‌ی علمی ایران، هستیم تا جایی که می‌توان قرن جدید را «قرن آسیا» دانست و آینده را با رویکرد «جهان از نگاه چین» بررسی کرد. بر این اساس، به نظر ایرانی‌ها، ایران می‌تواند در این زیستگاه جدید ارتباطات خود را با کشورهای غیر مرکز و قدرت‌های نوظهور و متوسط افزایش دهد چراکه جهان آینده، جهان آمریکا نیست.

در سطح منطقه‌ای نیز شاهد ۱. کاهش حضور آمریکا در منطقه، توجه بیشتر به شرق آسیا و ایجاد خلأ قدرت در غرب آسیا ۲. ورود بیشتر قدرت‌های نوظهور در غرب آسیا و ایجاد پیمان‌های اقتصادی و نظامی با کشورهای منطقه ۳. تلاش برای کنار گذاشتن ایران از کریدورهای انرژی و ترانزیتی ۴. افزایش تنش‌ها در منطقه (قفقاز، خلیج فارس، شمال جبهه‌ی مقاومت، فلسطین اشغالی و یمن) و نبود میانجی‌گر مورد اعتماد طرفین ۵. تلاش برای فروپاشی اقتصادی ایران و منزوی کردن ایران توسط غرب ۶. طرح کمربند و یک جاده‌ی چین و امکان نجات ایران و منطقه هستیم. لذا ایران برای مهار تنش‌های منطقه‌ای و همچنین مهار فشارهای بین‌المللی و منطقه‌ای خود (تحریم، حضور نظامی آمریکا و گروهک‌های تروریستی و...) به سمت تعمیق ارتباطات خود را با چین حرکت کرده است. به نظر ایرانی‌ها، ایران دارای پتانسیل‌های «ژئوپلیتیک»، «ژئواکونومیک» و «ژئوکالچر» است و می‌تواند به طرح‌های چینی چون کمربند و یک جاده کمک کند و از یک طرف دیگر چین نیز برای ایجاد نفوذ اقتصادی خود و همچنین امنیت در مناطق طرح کمربند و یک جاده نیاز به قدرت امنیت بخش ایران دارد.

در سطح ملی نیز شاهد ۱. ایجاد گفتمان «نگاه به شرق» و «تجربه‌ی حکمرانی چین» از سوی رهبران و طرفداران اصول‌گرایی ۲. فشارهای اقتصادی و نبود پاسخ به این بحران‌ها از سوی غرب ۳. عقب‌ماندگی در زمینه‌ی توسعه و فناوری و نیاز به چین ۴. وابستگی به چین در فروش نفت ۵. قربانت مدل حکمرانی چینی با مدل مطلوب حکمرانی ایران و اقتصادی مقاومتی ۶. تأکید سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ بر «تعامل سازنده با جهان» هستیم. بر این اساس، از نگاه ایرانی‌ها چین یکی از تنها «شریک‌های بالقوه استراتژیک» ایران برای دفع مشکلات ایران در سطح ملی است (مجیدی، محمدرضا، ۱۴۰۰).

چرا نگاه به شرق مغفول واقع شده است؟

یکی از مهم‌ترین روایت‌هایی که در ادبیات سیاست خارجه‌ی جمهوری اسلامی ورود پیدا کرده است، روایت غفلت جمهوری اسلامی از ظهور چین است. بر طبق این روایت، ایران از موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی، ژئواستراتژیکی خوبی برخوردار است و این وضعیت، ایران را برای چینی‌ها جذاب می‌کند. چینی‌ها نیز به دلیل طرح کمربند و یک جاده و جایگاه ایران در مسیر نیز از پتانسیل خوبی برخوردار است.

در مورد چرایی مغفول ماندن این ارتباط معمولاً به مواردی چون ۱. غلبه‌ی رویکرد غرب‌گرایانه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی و وجود فرهنگ‌سازمانی غرب‌گرایانه غالب در وزارت امور خارجه ۲. نبود چشم‌انداز شراکت

استراتژیک و غلبه‌ی دید تاکتیکی و مقطعی و از روی اضطراب به چین ۳. نبود سند راهبردی و نقشه‌ی راه اولویت‌های جمهوری اسلامی در ارتباط با چین ۴. نبود شناخت چین و مبهم بودن فرهنگ، تفکر و زبان چینی برای ایرانی‌ها ۵. غلبه‌ی گفتمان مطالعات امنیت بین‌الملل غربی در ادبیات سیاست‌خارجی ایران و عدم توجه به بعد اقتصادی ۶. نبود اجماع داخلی در مورد اولویت‌های سیاست خارجی در سطح حاکمیت ایران و استفاده از چین برای تصفیه حساب‌های داخلی ۷. مشخص نبودن متولی سیاست خارجه در ایران ۸. محوری بودن ارتباط از با غرب از نظر چینی‌ها به دلیل تحریم مالی ایران و امنیتی بودن ایران و ترس چینی‌های از برقراری ارتباط با ایرانی‌ها هست (مجیدی، محمدرضا، ۱۴۰۰).

نگاه به شرق گمراه‌کننده است

روایت‌های ضد «نگاه به شرق» در ایران از پایگاه اجتماعی قدرتمندی برخوردار است. این روایت‌ها بیشتر از جانب اصلاح‌گرایان و جریان‌های ضد جمهوری اسلامی مطرح می‌شود. نقدهای این روایات متوجه بعد ایدئولوژیک سیاست خارجی ایران و بعد توجه به منافع ملی ایران است. بر مبنای بعد ایدئولوژی، نگاه به شرق ضد اصل عزت در سیاست خارجی ایران است لذا گفته می‌شود ایران عملاً از اصول دینی خود در واجه با چین از موضوعات دفاع از مردم مسلمان چینی (موسوی، ۲۰۲۰). گیری کرده است و قصد دارد زیر بلیت چین برود. بر مبنای بعد ایدئولوژی منافع ملی نیز باید گفت که چینی‌ها در شرایط مختلفی چون کمک به صدام و یا عدم وتوی قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران، طرف ایران را نگرفته است و دید چین به ایران ابزاری است.

کل صادرات اسلحه چین به ایران در هشت سال جنگ، ۱ میلیارد و ۸۴۳ میلیون دلار بود. این در حالی است که در همان مقطع، چین بیش از ۵ میلیارد دلار اسلحه به عراق فروخت که حدود سه برابر تسلیحات صادرشده به ایران بود. همچنین در طول جنگ دریایی، ایران مجموعاً ۷۵ الی ۸۰ موشک کرم ابریشم دریافت کرد، درحالی‌که واردات عراق از چین بالغ بر ۲۰۰ موشک از این نوع می‌شد (باستانی، ۱۳۹۹). چین همچنین با دشمنان ایران چون آمریکا، اروپا، اسرائیل و عربستان قراردادهای سنگین‌تری نسبت به ایران بسته است. درحالی‌که قرارداد ۲۵ ساله با چین در سطح یک تفاهم‌نامه مانده است، چین با کشورهای رقیب و دشمن ایران در منطقه نظیر عربستان سعودی، امارات و اسرائیل قراردادهای مختلف و عملیاتی را امضا کرده است؛ مثلاً چین و روسیه ارتباطات عمیق‌تری با اسرائیل نسبت به ایران دارند. چین در حیفا‌ی بر روی بندرها اسرائیل سرمایه‌گذاری کرده است. چین و روسیه هر دو از فناوری اسرائیلی‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی خود برای ایجاد صنعت دانش‌بنیان استفاده کرده‌اند. چین همچنین با عربستان سعودی روابطی را برقرار کرده است که بتواند از سرمایه‌گذاری عربستان در بخش‌هایی از صنایع خود خصوصاً در بخش انرژی بهره‌گیر (نوربخش، ۱۴۰۱). چینی‌ها همچنین در جذب بازار سرمایه و انتقال فناوری به آمریکا وابسته است و همچنین چین به دلیل هژمونی دلار آمریکا و ترس از مقابله با آمریکا با ایران وارد ارتباطات عمیق نخواهد شد.

بررسی ایده‌های نه شرقی و نه غربی

در جواب انتقادات مطرح‌شده می‌توان گفت به ایده‌ی «نه شرقی و نه غربی» به دلایلی چون ۱. تغییر نظام بین‌الملل و اتمام پارادایم جنگ سرد و اتمام شرق استراتژیک ۲. عدم امکان وابستگی به چین به دلیل ارتباطات پیچیده‌ی چینی‌ها با رقبای ایران و کمتر جذاب بودن ایران برای چین نسبت به رقبای ۳. دید استقلال‌خواهی و تجربه‌ی استعمار در مواجهه با قدرت‌های بزرگ ۴. عدم نفی اصل ارتباط در قاعده‌ی «نفی سبیل» و تأکید صرف بر عدم پذیرش سلطه‌ی «غیرمسلمان» در این قاعده، لطمه‌ای وارد نمی‌شود.

در مورد تغییر پارادایم جنگ سرد و ایجاد شراکت استراتژیک با شرق (قربانی، ۱۳۹۷). باید گفت، در دنیای امروزی داشتن ارتباطات متقابل با یک کشوری به معنی ورود یک به بلوک آن کشور نیست چراکه اولاً بلوک‌بندی در دنیای امروزی معنی ندارد و ثانیاً در دنیای امروزی ارتباط با کشورهای مختلف در جهت منافع ملی عموماً با واکنش قدرت‌های بزرگ روبرو نمی‌شود. چراکه نظم رئالیستی بین‌الملل که بر اساس استراتژی

قدرت‌های بزرگ اداره می‌شد نسب به جنگ سرد کمزنگ شده است. در نتیجه ارتباط ایران با چین یا چین با کشورهای رقیب ایران به معنی ورود این کشوری به بلوک چین و اطاعت محض از استراتژی‌های چینی نیست.

در مورد ارتباط پیچیده‌ی چین با کشورهای منطقه‌ای باید گفت، این سطح از ارتباطات با کشورهای رقیب ایران باعث می‌شود که چین برای تأمین امنیت در منطقه، تمتع از بازار انرژی و اجرای طرح کمربند و یک جاده‌ی خود صرفاً به ایران متکی نباشد. با اینکه ایران از موقعیت ژئوپلیتیکی برخوردار است و اجرای امنیت در منطقه بدون ایران اجراشدنی نیست اما چین به دلیل عدم استقبال ایران از چین و نگاه به شرق، عدم وجود متولی سیاست خارجی و شرایط امنیتی ایران، تحریم‌ها و عدم ثبات بازار ارز ایران، به نظر می‌رسد سعی در دور زدن ایران را دارد. لذا چین کمتر سمت ایران حرکت می‌کند.

در مورد قاعده‌ی نفی سبیل و ضدیت تجربه‌ی برخورد با قدرت‌های بزرگ باید گفت که رهبران سیاست خارجی ایران در عین استقلال‌خواهی و عدم تمایل به وارد شدن زیر چتر کشوری دیگر، سعی در ایجاد روابط متعادل با کشورهای دیگری دنیا را دارند تا ایران بتواند از انزوای بین‌المللی خارج شود و همچنین مشکلات اقتصادی خودش را برطرف کند؛ مثلاً در اصل ۱۵۲ که اصول شش‌گانه‌ی سیاست خارجی ایران در آن مطرح شده است (اصول اعتقادی پنج‌گانه و اصل حقوق بشر)، به بحث «عدم تعهد» اشاره می‌شود. یا در اصل ۱۵۳ هم تأکید شده است که هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است؛ اما مشی رهبران ایران این عدم تعهد را عدم ارتباط تفسیر نمی‌کند (مجیدی، ۱۴۰۰) چراکه در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ که مورد توجه خاص رهبری بوده است نیز «تعامل سازنده با جهان» اساس سیاست خارجی ایران برشمرده شده است (خان آبادی، ۱۳۹۹).

پیشنهادات

برخلاف روایت ضد چینی، به نظر می‌رسد روایت رهبران اصول‌گرای ایرانی از نگاه به شرق، نگاه به رفتن به زیر چتر چین نیست و همچنین امکان عملی ورود ایران به زیر چتر چین شاید دور به نظر برسد. لذا ایران برای کاهش فشارهای غربی علیه ایران و حفظ استقلال خود به نظر می‌رسد به سمت شرق حرکت کرده و سعی دارد علاوه بر چین با کشورهای شرقی چون روسیه و هند نیز به تعمیق رابطه بپردازد. اما این نگاه و تغییر مشی به دلیل قوت روایت‌های مخالف آن با چالش‌های اقناعی مواجه است. لذا برای تسهیل و تقویت نگاه به شرق پیشنهاداتی چون ۱. تقویت دیپلماسی عمومی دولتی دوطرفه ۲. تقویت چهره‌ی چین در ایران برای تعامل بیشتر با چین با کمک مالی خود چینی‌ها ۳. برگزاری اردوهای علمی-تفریحی دوطرفه برای تعمیق رابطه‌ی دو کشور ۴. برگزاری نمایشگاه‌های علمی، فرهنگی و صنعتی در دو کشور را مد نظر قرار داده‌ایم.

منابع

۱. منصوری مقدم، جهانشیر و اسمعیلی، علی (۱۳۹۰). تحلیلی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد از منظر مدل پیوستگی «جیمز روزنا».
۲. دیو سالار، مجید (۱۳۸۷). رویکرد نگاه به شرق در روابط خارجی ایران.
۳. مجیدی، محمدرضا (۱۴۰۰). نشست هم‌اندیشی سیاست نگاه به شرق و شعار «نه شرقی نه غربی». معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه رازی.
۴. مجلسی، فریدون (۱۳۹۷). راهبرد «نگاه به شرق» ایران را اسیر تعاملات زیان‌بار می‌کند. دیپلماسی ایرانی.
۵. دیو سالار، مجید (۱۳۸۷). رویکرد نگاه به شرق در روابط خارجی ایران.
۶. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی (۱۳۹۶). برگرفته از <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۸۹۷۵>.
۷. ولایتی، علی‌اکبر (۱۴۰۱). ایران، روسیه و چین: سه قدرت مهم و مستقل در مقابل توسعه‌طلبی آمریکا و غرب. برگرفته از <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=۵۰۶۵۲>.
۸. آدمی، علی (۱۳۸۹). راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دیدگاه‌ها، زمینه‌ها و فرصت‌ها.
۹. آدمی، علی (۱۳۸۹). راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دیدگاه‌ها، زمینه‌ها و فرصت‌ها.
۱۰. قربانی، مصطفی (۱۳۹۷). چیستی و چرایی راهبرد «نگاه به شرق». پایگاه خبری بصیرت.
۱۱. موسوی، سیدرسول (۱۴۰۰). نگاه ما به شرق مبتنی بر منافع ملی است. برگرفته از <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=۴۹۴۹۲>.
۱۲. عله‌پور، مهرداد (۱۳۹۹). بررسی لزوم سیاست نگاه به شرق و کشورهای همسایه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. پژوهشکده‌ی تحقیقات راهبردی.
۱۳. دیو سالار، مجید (۱۳۸۷). رویکرد نگاه به شرق در روابط خارجی ایران.
۱۴. مجیدی، محمدرضا (۱۴۰۰). نشست هم‌اندیشی سیاست نگاه به شرق و شعار «نه شرقی نه غربی». معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه رازی.
۱۵. مجیدی، محمدرضا (۱۴۰۰). نشست هم‌اندیشی سیاست نگاه به شرق و شعار «نه شرقی نه غربی». معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه رازی.
۱۶. موسوی، سید قائم (۲۰۲۰). بررسی نگاه ایران به شرق و روابط با چین و روسیه. خبرگزاری آنا تویی.
۱۷. باستانی، حسین (۱۳۹۹). ناگفته‌های روابط ایران و چین: از دوره جنگ تا زمان تحریم‌ها. بی‌بی‌سی فارسی. برگرفته از <https://www.bbc.com/persian/iran-features-۵۲۷۴۳۳۰۰>.
۱۸. نوربخش، مهدی (۱۴۰۱). شرم نگاه به شرق. برگرفته از <https://www.zeitoons.com/۱۰۸۳۰۴>.
۱۹. قربانی، مصطفی (۱۳۹۷). چیستی و چرایی راهبرد «نگاه به شرق». پایگاه خبری بصیرت.
۲۰. مجیدی، محمدرضا (۱۴۰۰). نشست هم‌اندیشی سیاست نگاه به شرق و شعار «نه شرقی نه غربی». معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه رازی.
۲۱. خان آبادی، سعید (۱۳۹۹). نگاه به شرق، مبنای دیپلماسی ایران در آسیا. خبرگزاری ایرنا.

